

بررسی عناصر کالبدی حس تعلق به مکان در محلات شهری

(مطالعه‌ی موردی: شهرک شهید بهشتی شهر شیراز)

محمد رضا شهریاری^۱ و پریسا مشک سار^{۲*}

۱. کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، موسسه‌ی آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران.

۲. استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، موسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۶

چکیده

اطلاعات مقاله

رشد فزاینده‌ی ابعاد شهرنشینی در طی دهه‌های اخیر موجب شده است که علاوه بر گسترش مشکلات اکولوژی محیطی و اجتماعی، شهر و شهرسازی معاصر با مشکلات و معضلات تازه‌ای مانند کم‌رنگ شدن هویت و حس تعلق به مکان مواجه شود. یکی از معانی مهم در ارتقای کیفیت محیط‌های شهری و انسانی، حس تعلق به مکان است. این حس که عامل مهمی در شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی استفاده‌کنندگان و محیط است، در نهایت منجر به ایجاد محیط‌های باکیفیت نیز خواهد شد. در این راستا هدف پژوهش حاضر بررسی عناصر کالبدی حس تعلق به مکان در محلات شهری در شهرک شهید بهشتی واقع در منطقه ده شهر شیراز می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش از بعد هدف کاربردی و از بعد ماهیت خود توصیفی تحلیلی است. بدین منظور ابتدا شاخص‌های مؤثر در سنجش عناصر کالبدی حس تعلق به مکان از منابع مختلف تهیه‌شده و سپس داده‌ها و اطلاعات موردنیاز به‌صورت پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه از محله جمع‌آوری شده است. جامعه آماری پژوهش افراد ساکن در شهرک شهید بهشتی شهر شیراز است که بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۷۲ پرسشنامه به‌عنوان حجم نمونه محاسبه شد. تحلیل پرسش‌نامه‌ها با روش‌های آزمون تیتک نمونه‌ای، ضریب همبستگی پیرسون در نرم‌افزار spss انجام شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در بخش مربوط به گویه‌های مورد مطالعه در آزمون تی تک نمونه‌ای شخصیت کالبدی منحصربه‌فرد با میزان ۳/۹۰ در بالاترین سطح از میانگین قرار گرفته و در بین متغیرهای مستقل حس تعلق به مکان و شاخص‌های کالبدی آن همبستگی ضعیف بوده و همچنین رابطه‌ی معنادار آماری وجود ندارد.

دوره ۲، شماره ۶، زمستان ۱۴۰۰

صفحه ۱۱-۱

DOR: 20.1001.1.27173747.1400.2.6.1.7

کلید واژه‌ها: حس تعلق، کالبدی، شیراز، شهرسازی.

مقدمه

تعلق به مکان به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (فلاح، ۱۳۸۴: ۳۷)؛ و لایه‌های ادراک، مفاهیم و تجربیات مکان را شرح می‌دهد. فعالیت‌ها و شکل کالبدی موجود در مکان، بر حس وابستگی افراد تأثیر می‌گذارد و ارتباطات فرهنگی و اجتماعی، خاطرات و مفاهیم شخصی نیز بر تعلق به مکان مؤثر است. گاه ممکن است این تعلق مکانی از سطح تجربه‌های احساسی-شناختی افراد گذر کرده و با احساس مشترک جمعی در محدوده فضایی وسیع‌تر از مکان، محله تا سطح یک کشور و برای یک ملت گسترده شود (شاه‌چراغی و بندر آباد، ۱۳۹۴: ۹۴).

یکی از معانی مهم در ارتقای کیفیت محیط‌های شهری و انسانی، حس تعلق به مکان است. این حس که عامل مهمی در شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی استفاده‌کنندگان و محیط است، در نهایت منجر به ایجاد محیط‌های باکیفیت نیز خواهد شد (فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۲۸). حس تعلق به مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم‌وبیش آگاهانه‌ی آن‌ها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه‌ی معنایی محیط پیوند می‌خورد و یکپارچه می‌شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌شود. از مفاهیم فرهنگی موردنظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در مکانی مشخص حمایت می‌کند و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌شود (فلاح، ۱۳۸۵: ۷۵). از سوی دیگر و هم‌زمان با توسعه‌ی جوامع انسانی و تغییر شیوه‌ی سکونت و زندگی مردم، توجه معماران، طراحان و برنامه‌ریزان به کیفیت فضاها و محیط‌های ساخته‌شده افزایش یافته و نقش طراحی ابزاری برای شکل دادن به محیط زندگی و پاسخ‌گویی به توقعات و نیازهای انسان اهمیت بیشتری یافته است. گسترش پژوهش‌های متعدد که به روش‌های ارزیابی و تحلیل معماری بعد از بهره‌برداری (POE) می‌پردازد، مؤید توجه بیش‌تر طراحان و برنامه‌ریزان به کیفیت فضاها و محیط‌های ساخته‌شده (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۸) و سعی در شناخت و ارتقای این کیفیت‌ها در پاسخ‌گویی به توقعات و نیازهای انسانی است. رشد فزاینده‌ی ابعاد شهرنشینی در طی دهه‌های اخیر موجب شده است که علاوه بر گسترش مشکلات اکولوژی محیطی و اجتماعی، شهر و شهرسازی معاصر با مشکلات و معضلات تازه‌ای مانند کم‌رنگ شدن هویت و حس تعلق به مکان نیز مواجه شود. هرچند به نظر می‌رسد که ارتقای ابعاد اجتماعی در جهت افزایش حس تعلق شهروندان نقش بیش‌تری دارند اما مطالعات بسیاری نیز بر نقش عوامل کالبدی در ایجاد و ارتقاء حس تعلق به مکان تأکید می‌کنند. فرسودگی بناهای تاریخی و مراکز قدیمی شهرها و عدم اختصاص بودجه کافی برای مرمت آن‌ها، توسعه‌ی ساخت‌وسازهای جدید در محله‌ها و بافت‌های شهری بدون توجه به هویت و زمینه‌ی آن‌ها و از طرف دیگر کمبود تسهیلات مناسب و عواملی از این قبیل، منجر به گسست عوامل کالبدی قسمت‌های شهر شده است که این موضوع سبب کاهش حس تعلق افراد شده، در صورت ادامه یافتن این روند، تبدیل شدن این مناطق به بافت‌هایی ناکارآمد، تهدیدی جدی است؛ بنابراین به نظر می‌رسد، علاوه بر توجه به برقراری جریان قوی و پررنگ تعاملات اجتماعی در مراکز محلات در شهرها، توجه به کالبد نیز جهت ارتقای حس تعلق افراد ضروری است. خلأ تحقیقاتی موجود در این زمینه، عدم تعریف و ارائه‌ی شاخص‌ها و گویه‌ها یا به‌طور کلی عوامل کالبدی مؤثر بر ایجاد و ارتقاء حس تعلق به مکان است که این موضوع، پایگاه چالش‌های طراحان‌ای است که می‌باید مورد توجه قرار گیرد تا بتوان با بهره‌گیری از نظرات اندیشمندان، الگوی مناسبی در جهت تحقق اهداف موردنظر ارائه داد. لذا، یکی از دغدغه‌های مهم برنامه‌ریزان و طراحان شهری افزایش حس تعلق به محیط در بین استفاده‌کنندگان از فضاهای شهری است. در همین راستا، هدف این پژوهش ارزیابی و سنجش مؤلفه‌های کالبدی و محیطی در ایجاد حس تعلق به مکان در شهرک شهید بهشتی شهر شیراز و بررسی روابط میان این مؤلفه‌ها و مؤلفه‌های طراحی و برنامه‌ریزی در توسعه‌ی محلات شهری است تا بتوان زمینه‌های افزایش این بُعد مهم ارتقای کیفیت محیط را در فضاهای شهری فراهم آورد. با توجه به این هدف سؤال‌های تحقیق عبارت است از: وضعیت شاخص‌ها و گویه‌های کالبدی حس تعلق به

مکان در چه سطحی است؟ کدامیک از شاخص کالبدی در ایجاد و ارتقاء حس تعلق به مکان در شهرک شهید بهشتی تأثیرگذارتر است؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مفاهیم حس مکان و حس تعلق به مکان مفاهیم پیچیده و چندوجهی هستند که شناخت ابعاد و ویژگی‌های دقیق آن‌ها مستلزم مطالعات بسیار است. پژوهش‌های بسیاری در زمینه‌ی روشن کردن مفاهیم حس مکان و حس تعلق به مکان انجام گرفته که از میان پژوهشگران فارسی‌زبان می‌توان به محمدصادق فلاحت اشاره نمود که طی مقاله‌ی مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن، به بیان ابعاد مختلف حس مکان پرداخته است. از دیگر فارسی‌زبان در این زمینه می‌توان کاشی و بنیادی (۱۳۹۲) را نام برد که به تبیین مدل هویت مکان- حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن پرداخته‌اند. در این میان پژوهشگرانی نیز با تمرکز بر روی حس تعلق به مکان ابعاد مختلف این مفهوم را روشن ساخته‌اند که از آن میان می‌توان به جوان فروزنده و مطلبی (۱۳۹۰) اشاره کرد.

همچنین بهرام پور و مدیری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «مطالعه رابطه میان رضایتمندی ساکنان از محیط زندگی و میزان حس تعلق آن‌ها در مجتمع مسکونی بلندمرتبه شهرک کوثر تهران»، به تبیین رابطه معیارهای کیفیت محیط سکونت بر میزان حس تعلق در مجتمع‌های مسکونی بلندمرتبه پرداخته‌اند و بر آن است تا با شناسایی این معیارها تعیین کند که کدامیک از این معیارها باعث ایجاد معنای خاص برای ساکنین شده و می‌تواند با برنامه‌ریزی مناسب برای بهبود آن، رضایتمندی و به دنبال آن حس تعلق ساکنان را افزایش دهد. در این پژوهش از روش تبیینی (آزمون نظریه) استفاده می‌شود. بدین منظور و برای به دست آوردن معیارهای کیفیت محیط زندگی در مجتمع‌های مسکونی بلندمرتبه، به منظور کمی کردن معیارهای به دست آمده از پژوهش، درخت ارزش تشکیل و به صورت بالا به پایین طبقه‌بندی شد و در سطح آخر (سطح چهارم)، ۶۲ جزء شاخص (که قابلیت کمی کردن را داشتند)، تعیین شد.

کمالی پور و همکارانش (۲۰۱۲): در پژوهش خود با عنوان «عوامل مؤثر در سنجش دل‌بستگی به مکان در محیط‌های مسکونی شهر» تعلق به مکان را نتیجه پایداری اجتماعی یک مکان می‌داند و معنا و هویت را برآیند دل‌بستگی به مکان. در این پژوهش این نتیجه حاصل شده است که افزایش تعلق مکانی در محیط مسکونی، هویت فردی و جمعی ساکنان را تشبیت می‌نماید. بهترین حالت دل‌بستگی از نظر آن‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که فرد نه تنها به خانه، بلکه به محله و شهر در یک‌زمان دل‌بسته باشد.

حیدری و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی امروزی» با طرح این پرسش که چرا رنگ تعلق از چهره‌ی خانه‌های امروزی برگرفته شده است، آغاز می‌گردد. برای پاسخ به این سؤال، نمونه‌هایی از خانه‌های سنتی دارای سکنه و مجتمع‌های مسکونی جدید در شهر شیراز انتخاب شدند. با روش بررسی‌های اسنادی و میدانی، دیدگاه‌های مختلف ساکنین خانه‌ها طی پرسش‌نامه‌هایی در حیطه عناصر کالبدی حس تعلق مکان جمع‌آوری گردید و با نرم‌افزار (Spss) تحلیل شد. نتایج نشان داد که حس تعلق کالبدی مکان در خانه‌های سنتی در مقایسه با مجتمع‌های جدید بیش‌تر است.

دانش پور و سبزواری (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان تحلیلی بر عوامل کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان در مرکز قدیمی شهر سبزواری تعلق به مکان را نتیجه دو شاخص شخصیت کالبدی منحصر به فرد و دید و منظر در محلات قدیمی شهر سبزواری می‌داند.

ویلیامز و دیگران (۲۰۰۲)، در پژوهش خود تحت عنوان ارزیابی دل‌بستگی سمبلیک و عاطفی به مکان «به ارزیابی دل‌بستگی به مکان‌های تفریحی و فراغتی پرداخته‌اند. در ابتدا به منظور نیل به این اهداف به بررسی مفهوم دل‌بستگی و تعلق مکانی و عوامل ایجادکننده آن مبادرت ورزیده‌اند. ویلیام و دیگران معتقد است که تعلق و دل‌بستگی به مکان با دو بعد وابستگی به مکان و هویت مکان تعریف می‌گردد.

لوپکا (۲۰۱۰)، در پژوهش خود تحت عنوان چه چیز محلات را از خانه و شهر متفاوت می‌سازد: ارزیابی اثرات مقیاس مکان بر دل‌بستگی به مکان، به بررسی عوامل مؤثر و شکل‌دهنده‌ی تعلق به مکان پرداخته و با بیان مقیاس مکان به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر به ارزیابی تعلق مکانی در سه مقیاس کوچک (خانه)، متوسط (محله) و بزرگ (شهر) پرداخته است. وی سه فاکتور جمعیتی، اجتماعی و محیطی را مؤثر بر شکل‌گیری تعلق و دل‌بستگی به مکان می‌داند.

بونایتو (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان پیش‌بینی شاخص‌های ادراکی دریافت کیفیت محیط مسکونی و حس تعلق در محیط شهری به شناسایی شاخص‌های کیفیت محیط و تعلق پرداخته و بیان می‌دارد که رضایتمندی از کیفیت محیط، میزان تعلق ساکنین به محله‌شان را پیش‌بینی می‌کند. در این مقاله ۱۱ معیار اندازه‌گیری به ۴ معیار مولد به شکل زیر تقسیم می‌شود: سه مورد از آن‌ها درباره جنبه‌های فضایی است مانند برنامه‌ریزی معماری، فضای برنامه‌ریزی معماری و سازمان‌دهی و دسترسی فضا و فضای سبز. یک مورد هم به جنبه‌های انسانی می‌پردازد، مثل ارتباطات اجتماعی و تعلقات مکانی. اهداف عینی مطالعه هم شامل: مقایسه ساختار کیفیت محیطی و پیوستگی و تعلق مکانی نسبت به یافته‌های تحقیق است که از مدل‌های قدیمی‌تر استفاده کرده بود؛ و دیگری ارتقای کیفیت روان‌سنجی محیطی می‌باشد.

به جهت گستردگی، پیچیدگی و چندوجهی بودن مفهوم حس تعلق به مکان، هرکدام از محققان سعی در روشن کردن قسمتی از این مفهوم داشته‌اند. در این میان به نظر می‌رسد، شناسایی دقیق بعد کالبدی حس تعلق به مکان و عوامل کالبدی مؤثر بر حفظ و ارتقای حس تعلق به مکان، مغفول واقع شده است و در مقابل تأکید بیش‌تری بر روی دیگر ابعاد آن، از جمله بعد اجتماعی و فردی حس تعلق به مکان صورت گرفته است. این در حالی است که مطالعات بسیاری بر ضرورت توجه به عناصر کالبدی در محیط انسانی و نقش آن در شکل‌گیری و تداوم حس تعلق اشاره می‌نمایند. چنان‌که ریجر و لاوارکاس در مطالعات خود به نقش مهم و اساسی تعلق کالبدی اشاره کرده، از آن با عنوان ریشه‌داری یاد می‌کنند که بر این اساس، فرد محیط را به همراه عناصر کالبدی آن در شکل‌دهی معنای تعلق، به خاطر می‌سپارد. همچنین مطالعات استدمن که پیرامون نقش بعد کالبدی مکان بر دل‌بستگی به مکان، انجام شده است، به نقش مستقیم آن در رضایتمندی و نقش غیرمستقیم بر دل‌بستگی به مکان اشاره دارد (Stedman, 2003: 682). از این رو پژوهش پیش رو تلاش می‌کند خلاً تحقیقاتی موجود در این زمینه را پر نماید و به شناسایی دقیق عوامل کالبدی مؤثر در ایجاد، حفظ و ارتقاء حس تعلق به مکان بپردازد و آن‌ها را در شهرک شهید بهشتی شیراز مورد ارزیابی و آزمون قرار دهد.

حس تعلق به مکان

واژه‌ی تعلق به معنی پیوستگی، دوستی، محبت، دل‌بستگی و همچنین قرابت، خویشی، انتساب و عهده و تصرف، مالکیت و نهایتاً تعلق خاطر و دل‌بستگی آمده است (دهخدا، ۱۳۸۵: ۷۵۳). در فرهنگ معین در توضیح واژه‌ی تعلق این‌چنین آمده است: آویخته شدن، درآویختن و دل‌بستگی داشتن (معین، ۱۳۸۴: ۳۶۷). حس مکان عموماً با حس تعلق همراه است و با حس عاطفی دل‌بستگی به یک مکان عجین می‌شود. مکان می‌تواند حس ریشه‌دار بودن را تقویت کند و حس هویت‌بخشی را با محل خاصی عجین سازد. ریشه‌دار بودن غالباً با حس ناخودآگاه مکان همراه است. چنین حسی طبیعی‌ترین، بنیادی‌ترین و خودجوش‌ترین اتصال بین انسان و مکان است. مردم به حس هویت و تعلق به مکان و یا قلمروی خاص نیاز دارند. از طریق مکان و در طول زمان، تجارب مشترک مهم و اساسی بین مردم ایجاد می‌شود. افراد نیازمندند که حس تعلق به یک موجودیت جمعی و یا یک مکان را داشته باشند؛ همچنین به یک هویت شخصی نیازمندند که از طریق جدایی مکانی، داشتن خصوصیات متفاوت و قابل تشخیص و یا حضور و ورود در یک محل خاص حاصل می‌شود. سیاست‌های طراحی می‌تواند این موضوعات را مورد تأکید قرار دهد (کرمونا و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۸۹-۱۹۰). حس تعلق به مکان برخاسته از فعالیت‌ها و تعاملات بین انسان- مکان و انسان- انسان در یک مکان خاص است

(Altman & Low, 1992:9) و با تأثیر متقابل احساسات، دانش، باورها و رفتارها، با مکانی خاص سروکار دارد (Proshansky et al, 1983:155). علاوه بر این بین میزان حس تعلق فرد به مکان و توجه او به آن، ارتباطی مستقیم وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش حس تعلق فرد به یک مکان، میزان توجه و مراقبت فرد از آن نیز افزایش می‌یابد (Mesch & Manor, 1998:509).

عوامل متعددی در ایجاد و ارتقای حس تعلق به مکان مؤثر هستند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود: عوامل کالبدی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، عوامل فردی، خاطرات و تجارب، احساس رضایت از مکان، عوامل فعالیتی و تعاملی، عامل زمان و مشارکت در طراحی مکان (دانش پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۲). مطالعات بسیاری بر ضرورت توجه به عناصر کالبدی در محیط انسانی و نقش آن در شکل‌گیری و تداوم حس تعلق اشاره می‌نماید.

نظرات اندیشمندان در رابطه با عوامل کالبدی مؤثر در ایجاد حس تعلق به مکان

ردپای حس تعلق و عوامل کالبدی مترتب بر آن را می‌توان در میان متون نظری به‌جامانده از اندیشمندان حوزه‌ی شهرسازی و علوم محیطی جستجو نمود که برخی مستقیماً و برخی به‌صورت غیرمستقیم به آن اشاره کرده‌اند. نظریات اندیشمندان در رابطه با عوامل کالبدی مؤثر بر ایجاد و ارتقای حس تعلق به مکان در جدول ۱ جمع‌بندی شده است.

جدول ۱. نظرات اندیشمندان در رابطه با عوامل کالبدی مؤثر بر ایجاد حس تعلق به مکان

ردیف	اندیشمندان	سال	تعاریف	مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر حس تعلق
۱	کوبین لینچ	۱۹۶۰	فضا باید هویت قابل‌ادراکی داشته و قابل‌شناسایی و به‌یادماندنی و نمایان باشد تا حس مکان ایجاد کن (لینچ، ۱۳۷۶، ۱۹۰-۱۹۵).	متمایز بودن، سادگی فرم، استمرار، تسلط و غلبه داشتن، روشنی نقاط تقاطع (مفاصل) تنوعی که جهت خاصی را معلوم دارد، (لینچ، ۱۳۸۷: ۱۹۲-۱۹۸)
۲	نوربرگ شولتز	۱۹۶۷-۲۰۰۰	برای این‌که فرد به مکان مشخص تعلق راستین داشته باشد باید دو عمل جهت‌یابی و این همسان‌سازی به‌درستی توسعه یابد (شولتز، ۱۳۸۸: ۴۰-۳۴).	محصور بودن، مرز و قلمرو، مرکزیت، تنوع در عین وحدت، تراکم، تداوم، مقیاس انسانی (شولتز، ۱۳۸۲)
۳	ایروین آلمن	۱۹۷۵-۱۹۹۲	دلبستگی به مکان نیروی گرانس مؤثر میان مردم و مکان است.	انعطاف‌پذیری، مقیاس، تعیین قلمرو و اختصاصی بودن و قابل‌دسترس بودن (Altman & low, 1992:9)
۴	ادوارد رلف	۱۹۷۴	یک درک و فهم عمیق از موقعیت و جایگاه خودمان در برابر دیگر چیزها و داشتن یک پیوستگی پرمعنای روحی و روانی به‌جایی خاص (رلف، ۱۳۸۹: ۵۰-۵۱).	مرز و قلمرو، عناصر تحریک‌کننده (محرک بینایی، شنوایی، بویایی، حرکت و لامسه) (رلف به نقل از کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲: ۴۸)
۵	راپاپورت	۱۹۷۷-۱۹۸۲	نمادها و سمبل‌های فرهنگی- اجتماعی کالبدی، میلمان شهری (راپاپورت، ۱۳۹۲: ۱۱۱)	اندازه‌ی مکان، درجه‌ی محصور بودن، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا، تنوع بصری، هویت، امنیت، سرزندگی (استیل به نقل از کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲: ۴۸)
۶	فریتز استیل	۱۹۸۱	حس مکان هر محیط بستگی به نحوه‌ی ارتباط انسان با آن محیط دارد.	انعطاف‌پذیری، وحدت در فضا، تعیین مرز و قلمرو مشخص (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۴۳۴-۴۱۶)
۷	اریکا اشیپگل	۱۹۸۴	حس وطن می‌تواند موضوع حس تعلق را بهتر توضیح دهد.	

ارتقا و بهبود قلمرو همگانی به طور قابل توجهی بر تصورات ذهنی و دیدگاه‌های مردم نسبت به هسته مرکزی شهر، تأثیر می‌گذارد (پامیر، ۲: ۱۳۹۱).	۱۹۸۸	سای پامیر	۸
آفرینش یک ساختار سازمان دهنده، به وجود آوردن هویتی برجسته (ممتاز)، ایجاد تنوع و جذابیت			
منظر شهری، چشم‌انداز، نفوذپذیری، شکل ساخت و مبلمان شهری (کرونا و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۹۳)	۱۹۹۱ -	جان پانتر	۹
وجود تعامل محیطی فعال یکی از فاکتورهای مهم و تأثیرگذار در شکل‌گیری حس تعلق است (Rayan) 1998، به نقل از جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۰.	۱۹۹۸	رابرت رایان	۱۰
عناصر طبیعی			
حس تعلق به مکان، رابطه‌ی شناختی و رفتار است که افراد در طول زمان با محیط فیزیکی و اجتماعی خود برقرار می‌کنند.	۲۰۰۲	مارینو بونیتو	۱۱
تسهیلات، تناسب مکان با عملکرد و زمینه، پایداری،			
موقعیت، منظر، شخصیت کالبدی، مالکیت، اصالت، وسایل رفاهی، طبیعت مانند آب، گیاهان، آسمان، خورشید و فضاهای خصوصی و جمعی (salvesen, 2002)	۲۰۰۲ -	سالواسن	۱۲
مکان مفهوم اصلی در روانشناسی محیطی است. در مورد میزان ارتباط عاطفی افراد با مکان (حس تعلق به مکان، هویت مکان، حس مکان و...) اختلاف نظر وجود دارد و روابط بین این مفاهیم به درستی تبیین نشده است (Lewicka, 2008: 211).	۲۰۰۸	ماریا لویکا	۱۳
اندازه، محصور بودن، تنوع، مقیاس، بومی‌گرایی، استفاده از یک عنصر متمایز نماد (Lewicka, 2011: 218)			

شاخص‌ها و گویه‌های کالبدی حس تعلق به مکان

پس از شناخت مبانی نظری مربوط به موضوع مورد مطالعه، عوامل کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان شناسایی گردید، در قالب شاخص‌ها و گویه‌هایی دسته‌بندی گردیده و در جدول ۲ ارائه شده است. در بخش بعدی پژوهش، شاخص‌ها و گویه‌های به دست آمده در شهرک شهید بهشتی مورد ارزیابی و آزمون قرار گرفتند تا میزان تأثیر هر کدام بر حس تعلق به مکان در نمونه‌ی مورد مطالعه مشخص گردد.

جدول ۲. شاخص‌ها و گویه‌های کالبدی حس تعلق به مکان

شاخص	گویه
شخصیت کالبدی منحصر به فرد	توجه به ساختمان‌های تاریخی موجود، مشخص بودن مرز و قلمرو فضا، تداوم مصالح، رنگ و بافت در عناصر کالبدی کف و بدنه‌ها داخل فضا و در تضاد با محیط پیرامون، استفاده از شکل و فرم منحصر به فرد، وجود نشانه‌ها، استفاده از هنرهای همگانی
سازمان و ساختار فضایی و شکل متناسب فضا	رعایت الگوی مناسب خیابان‌ها و بلوک‌ها، رعایت سلسله‌مراتب خیابان‌ها، رعایت مقیاس انسانی در فضا، رعایت تناسبات بصری در فضا، تعیین عرصه‌ی فضا

توجه به زمینه	هماهنگی بافت جدید با بافت موجود از نظر کاربری و فرم کالبدی، توجه به ساختمان‌های تاریخی موجود، توجه به اقلیم خاص هر شهر در طراحی و ساخت فضا، استفاده از گیاهان بومی
راحتی و آسایش	وجود تسهیلات رفاهی مانند مکان‌های مناسب برای نشستن، توجه به اقلیم و آب‌وهوای شهر
تنوع و جذابیت	روشنی نقاط تقاطع (مفاصل)، نورپردازی مناسب فضا در شب، تعیین سیستم حرکتی پیاده به‌گونه‌ای که امنیت وی تأمین گردد، جانمایی و پخش کاربری‌ها به‌گونه‌ای که فضاهای خلوت و غیرقابل دفاع ایجاد نشود. تأمین ایمنی و امنیت
دید و منظر	تنوع فضایی، تنوع کالبدی، وجود محرک‌های حسی مختلف (محرک بینایی، شنوایی، بویایی، حرکت و لامسه)، تنوع در کاربری اراضی
نفوذپذیری و دسترسی	تباين و گوناگونی در سازمان فضایی، پیشامدگی و خمیدگی، اختلاف سطح، محدود کردن نشانه‌ها به محل‌های مهم منظر شهری، رفع اختلالات و ناهنجاری‌های بصری
انعطاف‌پذیری	وجود راه‌های کافی برای رسیدن به فضا، رؤیت پذیری از فاصله دور، عدم وجود موانع دید جهت حفظ نفوذپذیری بصری در فضا، وضوح اطلاعات، علامات
	انعطاف در کف فضا، انعطاف در بدنه فضا، انعطاف در عناصر مستقر در فضا، پرهیز از اختصاصی کردن فضاها و تفکیک کالبدی

روش تحقیق

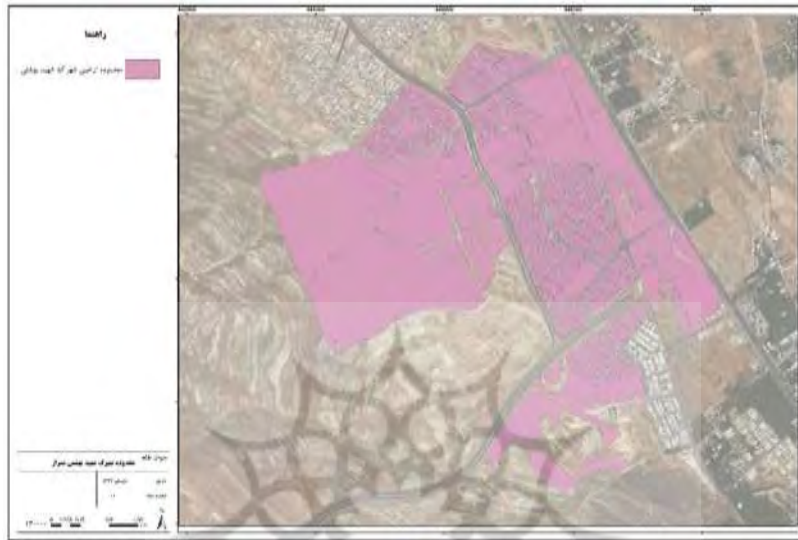
پژوهش حاضر از نوع توصیفی تحلیلی می‌باشد بوده که برای تجزیه تحلیل پرسش‌نامه‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. در این پژوهش به‌منظور تحلیل داده‌ها، ابتدا پایایی پرسش‌نامه با محاسبه‌ی آلفای کرونباخ برای هر یک از شاخص‌ها ارزیابی گردید که نتیجه‌ی به‌دست‌آمده کل با میزان ۰/۸۱، نشان‌دهنده‌ی اعتبار پرسش‌نامه طراحی‌شده می‌باشد. جامعه‌ی آماری این پژوهش، ساکنین محله شهرک شهید بهشتی بین ۲۰ تا ۶۰ سال در نظر گرفته شد که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ تعداد ۸۳۰۰ نفر می‌باشند. جهت تعیین حجم نمونه، از روش کوکران استفاده گردید که بر این اساس تعداد ۳۷۲ نفر به‌عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شد. در جهت پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق در گام اول، با استفاده از مطالعه و بررسی متون نظری موجود، عوامل کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان استخراج گردیده و در قالب شاخص‌ها و گویه‌ها دسته‌بندی شده‌اند که روش مورد استفاده در این قسمت از نوع کیفی است. در گام بعدی باهدف سنجش وضعیت موجود شهرک شهید بهشتی و بررسی شاخص‌ها و گویه‌های کالبدی مؤثر بر حس تعلق حاصل از مبانی نظری در آن، از روش تکمیل پرسشنامه استفاده شده و اطلاعات حاصل از طریق بررسی شاخص‌های مورد مطالعه از آزمون تی و برای شناخت رابطه‌ی بین شاخص‌های کالبدی تأثیرگذار بر حس تعلق به مکان از همبستگی پیرسون استفاده شد؛ بنابراین روش مورد استفاده در این قسمت از نوع کمی است.

جدول ۳. ضرایب پایایی متغیرها و ابعاد پژوهش

متغیر	ابعاد	تعداد سؤال	ضریب پایایی	ضریب پایایی متغیر
عوامل کالبدی حس تعلق به مکان	دید و منظر	۱۹	۰/۷۸	۰/۸۱
	شخصیت کالبدی منحصربه‌فرد	۱۷	۰/۸۱	
	توجه به زمینه	۱۶	۰/۷۶	
	راحتی و آسایش	۱۴	۰/۸۳	
	دسترسی	۱۳	۰/۷۸	
	تنوع و جذابیت	۱۵	۰/۷۸	
	سازمان و ساختار فضایی	۱۰	۰/۶۹	
	نفوذپذیری و دسترسی	۱۳	۰/۷۳	

محدوده‌ی و قلمرو پژوهش

شهرک بهشتی شهر شیراز واقع در ناحیه ۲ منطقه ۱۰ شهرداری شهر شیراز است که در قسمت شمال غربی و غربی این شهر واقع شده است. منطقه ۱۰ شهرداری شیراز ۳۱۸۷ هکتار و دارای ۱۲۷۱۱۱ نفر جمعیت می‌باشد این محله جز شهرک‌های اقماری نیز محسوب می‌شود و قدمت بافت آن به ۲۵ سال می‌رسد در حال حاضر محله دارای ۸۳۰۰ نفر جمعیت می‌باشد. وجود آب‌وهوای مناسب و پوشش گیاهی مناسب و فضای سبز سبب حضور گروه‌های مختلف اجتماعی در آن گردیده است.



شکل ۱. نقشه شهرک بهشتی در شمال غرب شهر شیراز

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل

یافته‌های توصیفی

بررسی ویژگی‌های فردی پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که از مجموع ۳۷۸ نفر، ۷۵/۶۳ درصد را مردان و نیز ۲۴/۳۷ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. از لحاظ میزان تحصیلات ۸/۴۳ درصد تحصیلات ابتدایی، ۱۷/۸۱ درصد راهنمایی، ۳۳/۴۴ درصد تحصیلات متوسطه و نیز ۴۰/۳۱ درصد تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند. همچنین از لحاظ وضعیت شغلی ۳۰/۶۳ درصد در مشاغل دولتی، ۴۰/۳ درصد در مشاغل خدماتی و ۲۹/۳۷ درصد در مشاغل آزاد فعالیت داشته‌اند.

تحلیل آمار استنباطی

ابتدا برای بررسی سؤال اول تحقیق از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. هدف این آزمون مقایسه متغیرهای موردنظر باحدمتوسط می‌باشد. در آزمون t تک نمونه‌ای فرض H_0 حاکی از برابری شاخص موردنظر با عدد سه (حد متوسط رضایت) می‌باشد و فرض H_1 حاکی از عدم برابری شاخص موردنظر به احد متوسط رضایت است در این صورت باید از مقادیر حد بالا و حد پایین استفاده کرد که:

۱. هرگاه حد بالا و پایین مثبت باشد، میانگین از مقدار مشاهده شده بزرگ‌تر است.

۲. هرگاه حد بالا و پایین منفی باشد، میانگین از مقدار مشاهده شده کوچک‌تر است.

نتایج حاصل از آزمون t تک نمونه‌ای در جدول (۴) در رابطه با بررسی وضعیت شاخص‌های کالبدی حس تعلق نشان می‌دهد که به ترتیب شاخص‌های شخصیت کالبدی منحصربه‌فرد با میزان ۳/۹۰، دسترسی با ۳/۲۰، دید و منظر با ۳/۱۰ از نظر ساکنین سطحی بالاتر از حد متوسط داشته است. همچنین با توجه به کم‌تر بودن سطح معنی‌داری

شاخص‌ها از مقدار (۰/۰۰۵) نتایج حاکی از معنی‌دار بودن شاخص‌ها می‌باشد.

جدول ۴. وضعیت شاخص‌های کالبدی حس تعلق به مکان

Test Value = 3						شاخص‌ها	ردیف
فاصله اطمینان ۰/۹۵	اختلاف	سطح	میانگین	مقدار تی	مقدار تی		
حد بالا	حد پایین	میانگین	معنی‌داری				
۰/۲۶۶	۰/۰۴۰	۰/۱۵۳	۰/۰۰۸	۳/۱۰	۲/۳۴	دید و منظر	شاخص‌های کالبدی حس تعلق به مکان
۰/۲۹۵	۰/۰۸۱	۰/۱۸۸	۰/۰۰۰	۳/۹۰	۱۰/۲۳	شخصیت کالبدی منحصربه‌فرد	
۰/۰۶۷	-۰/۲۹۴	-۰/۱۸۰	۰/۰۰۰	۲/۹۸	۱/۱۲	توجه به زمینه	
۰/۰۴۱	۰/۶۴۱	-۰/۳۰۰	۰/۰۸۳	۲/۷۰	-۱/۷۹	راحتی و آسایش	
۰/۲۶۶	۰/۹۳۴	۰/۶۰۰	...	۳/۲۰	۳/۸۷	دسترسی	
-۰/۹۲۴	-۱/۴۰۰	-۱/۱۶	۰/۰۰۰	۲/۸۵	-۳/۶۷	تنوع و جذابیت	
-۰/۲۹۴	-۰/۸۳۸	-۰/۵۶۶	۰/۰۰۰	۲/۴۳	-۲/۷۱	سازمان و ساختار فضایی	
-۰/۲۱۲	-۰/۷۲۱	-۰/۴۶۶	۰/۰۰۰	۲/۵۳	-۵/۱۸	نفوذپذیری	
-۰/۳۸۷	-۱/۰۱۲	-۰/۷۰۰	۰/۰۴	۲/۳۰	-۴/۲۶	آسایش	
-۰/۲۴۹	-۰/۷۱۱	-۰/۴۸۰	۰/۰۰۰	۲/۷۹	-۳/۴۹	ترکیبی کل	

به‌منظور بررسی رابطه بین متغیر وابسته حس تعلق و متغیرهای مستقل شامل شخصیت کالبدی منحصربه‌فرد، توجه به زمینه، راحتی و آسایش، تنوع و جذابیت، دسترسی و نفوذپذیری و انعطاف‌پذیری از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. به جز سه شاخص شخصیت کالبدی منحصربه‌فرد، دید و منظر و راحتی و آسایش که همبستگی متوسطی دارند بقیه متغیرهای مستقل پژوهش رابطه‌ی ضعیفی را نشان داده‌اند، بنابراین با توجه به نتایج حاصل از همبستگی رابطه معنادار آماری تأیید نمی‌شود؛ که این موضوع نتایج به‌دست‌آمده در بخش مبانی نظری پژوهش را تأیید می‌نماید. بیش‌ترین میزان همبستگی با حس تعلق را شاخص‌های شخصیت کالبدی منحصربه‌فرد با مقدار ۰/۶۱۲ و دید و منظر محله با ۰/۵۱۰ دارد. جدول (۵) نتایج ارزیابی رابطه‌ی متغیرهای مستقل (عوامل کالبدی حس تعلق) با متغیر وابسته‌ی حس تعلق را نشان می‌دهد.

جدول ۵. نتایج ارزیابی رابطه‌ی عوامل کالبدی حس تعلق با حس تعلق در شهرک بهشتی

شاخص‌های کالبدی	میزان همبستگی با حس تعلق به مکان	سطح معناداری
دید و منظر	۰/۵۱۰	۰/۰۰
توجه به زمینه	۰/۲۸۳	۰/۰۰
تنوع و جذابیت	۰/۲۸۸	۰/۰۰
شخصیت کالبدی منحصربه‌فرد	۰/۶۱۲	۰/۰۰
دسترسی و نفوذپذیری	۰/۲۰۴	۰/۰۰
انعطاف‌پذیری	۰/۱۶۴	۰/۰۰۱
راحتی و آسایش	۰/۵۰۰	۰/۰۰
سازمان و ساختار فضایی	۰/۲۲۲	۰/۰۰

نتیجه‌گیری

با توجه به این‌که در پژوهش‌های صورت گرفته در مورد حس تعلق به مکان و ابعاد مختلف آن، بر تعریف مکان

به‌عنوان محیطی اجتماعی تأکید شده و بنابراین ابعاد اجتماعی حس تعلق به مکان بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در مقابل پژوهش‌های کم‌تری بر ابعاد کالبدی این حس تمرکز کرده‌اند؛ در حالی که عوامل کالبدی در ایجاد، حفظ و ارتقای حس تعلق به مکان، نقش مهمی را ایفا می‌کنند یک مکان به یک اندازه از شاخص‌های حس تعلق مکان برخوردار نیست و بنا به علل گوناگون کالبدی و انسانی تفاوت‌هایی میان این شاخص‌ها وجود دارد بر این اساس تفاوت‌هایی بین میزان شاخص‌های حس تعلق به مکان در محله بهشتی وجود دارد این تحقیق با استفاده از روش‌های تحقیق توصیفی-تحلیلی صورت گرفت به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. روش کتابخانه‌ای به‌منظور تدوین مبانی نظری مرتبط با موضوع به‌کاررفته شده است. برای بررسی دیدگاه شهروندان پرسش‌نامه‌ای در قالب ۸ شاخص کالبدی حس تعلق به مکان طراحی گردید. این پرسش‌نامه از طریق طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت دیدگاه شهروندان را نسبت به مسئله مورد پژوهش قرار داد. نتایج نشان می‌دهد که در بین شاخص‌های کالبدی حس تعلق به مکان از دید شهروندان میانگین شاخص شخصیت کالبدی منحصربه‌فرد نسبت به بقیه شاخص‌های مورد مطالعه با مقدار ۳/۹۰ وضعیتی بالاتر از حد متوسط داشته و معنادار می‌باشد. در راستای بررسی رابطه بین شاخص‌های کالبدی حس تعلق به مکان از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد و بیش‌ترین همبستگی مربوط به متغیر مستقل شخصیت کالبدی منحصربه‌فرد با مقدار ۰/۶۱۹ بوده، همچنین بین تمام متغیرهای مستقل پژوهش و حس تعلق با توجه به مقدار ضعیف همبستگی دیگر متغیرها همبستگی مثبت اما از لحاظ معناداری ضعیف می‌باشد نتیجه این پژوهش همسو با تحقیق دانش پور و سبزواری (۱۳۹۷) با عنوان تحلیلی بر عوامل کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان در مرکز قدیمی شهر سبزواری می‌باشد؛ بنابراین در ایجاد، حفظ و ارتقای حس تعلق به مکان مورد مطالعه مؤثرترند. در این پژوهش مشخص شد که محله مورد مطالعه به علت تمایز از دیگر محلات شهری و شباهت بلوک‌ها، وجود نماد، پوشش گیاهی مناسب، هوای مناسب (به‌واسطه مجاورت با کوه دراک) و... از حس تعلق به مکان برخوردار بوده است. که ضروری است به‌منظور تداوم و ارتقای حس تعلق به مکان، در باز طراحی فضا مورد توجه بیشتری قرار گیرند. از جمله دلایلی که موجب گردیده حس مکان در این محله وجود داشته باشد وجود شاخص‌های کالبدی مناسب تعلق به مکان، سرمایه اجتماعی و پایدار میان اهالی به دلیل سکونت بیش‌تر از ۲۰ سال و نیز بومی بودن اکثر ساکنین باشد که می‌تواند پایداری اجتماعی محله را نیز تقویت نماید.

منابع

- بندر آباد، علیرضا؛ و شاه‌چراغی، آزاده. (۱۳۹۴). محاط در محیط، کاربرد روان‌شناسی محیطی در معماری و شهرسازی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۸). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۳)، از فضا تا مکان، انتشارات شهیدی، چاپ اول، تهران.
- پامیر، ساسی. (۱۳۹۱)، آفرینش مرکز شهری سرزنده، اصول طراحی شهری و بازآفرینی، ترجمه‌ی مصطفی بهزاد فر و امیر شکیبا منش، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ دوم، تهران.
- جوان فروزنده، علی؛ و مطلبی، قاسم. (۱۳۹۰). «مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن»، فصلنامه‌ی هویت شهر، شماره‌ی ۸، تهران، صص ۲۷-۳۷.
- حیدری، علی‌اکبر؛ مطلبی، قاسم؛ و نگین تاجی، فروغ. (۱۳۹۳). تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی امروزی، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، شماره ۳، تهران، صص ۷۵-۸۶.
- دانش پور، سید عبدالهادی؛ سپهری مقدم، منصور؛ و چرخ‌چیان، مریم. (۱۳۸۸). تبیین مدل دل‌بستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، شماره‌ی ۳۸، تهران، صص ۳۷-۴۸.
- دانش پور، سید عبد الهادی؛ و صفار سبزواری، فاطمه. (۱۳۹۷). تحلیلی بر عوامل کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان در مرکز قدیمی شهر سبزواری، فصلنامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره ۳۳، مردودشت، صفحه ۱۲۶-۱۳۶.

- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۸۵). فرهنگ دهخدا، جلد اول و دوم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
- راپاپورت، اموس. (۱۳۹۲). معنی محیط ساخته‌شده، رویکردی در ارتباط غیرکلامی، ترجمه‌ی فرح حبیب، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، چاپ سوم، تهران.
- رلف، ادوارد. (۱۳۸۹). مکان و بی‌مکانی، ترجمه‌ی محمدرضا نقصان محمدی و دیگران، انتشارات آرمان‌شهر، چاپ اول، تهران.
- شولتز، کریستین نوربرگ. (۱۳۸۸). روح مکان، به‌سوی پدیدارشناسی معماری، ترجمه‌ی محمدرضا شیرازی، نشر رخداد نو، چاپ اول، تهران.
- شولتز، کریستین نوربری. (۱۳۸۲). مفهوم سکونت، به‌سوی معماری تمثیلی، ترجمه‌ی محمود امیر یاراحمدی، نشر آگه، چاپ دوم، تهران.
- فلاح، محمدصادق. (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، ۲۶: ۵۷-۶۶.
- فلاح، محمدصادق. (۱۳۸۴). نقش طرح کالبدی در حس مکان مسجد. نشریه هنرهای زیبا، ۲۲، ۴۲-۳۵.
- کاشی، حسین؛ و بنیادی، ناصر. (۱۳۹۲). تبیین مدل هویت مکان-حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن: نمونه موردی پیاده راه شهرری، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، دوره ۱۸، شماره ۳، تهران، صص ۴۳-۵۲.
- کرمونا، متیو، هیت، تیم، و تنراک و تیسدل، استیون. (۱۳۹۱). مکان‌های عمومی فضاهای شهری، ابعاد گوناگون طراحی شهری، ترجمه‌ی فریبا قرائی و مهشید شکوهی و زهرا اهری و اسماعیل صالحی، انتشارات دانشگاه هنر، چاپ دوم، تهران.
- لینچ، کوین. (۱۳۸۷). سیمای شهر، ترجمه‌ی منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم، تهران.
- لینچ، کوین. (۱۳۷۶). تئوری شکل خوب شهر، ترجمه‌ی حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
- معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی یک‌جلدی دکتر محمد معین، انتشارات راه راشد، چاپ اول، تهران.
- Altman, I & Low, S. (1992): Place Attachment, A Conceptual Inquiry, Human Behavior and Environment, 12, pp: 1-12.
- Bonaiuto, M & Fornara, F & Bonnes, M. (2003): Indexes of perceived residential environment quality and neighbourhood attachment in urban environments, a confirmation study on the city of Rome, Landscape and Urban Planning, 65, pp: 41-52.
- Lewicka, M. (2011): Place attachment, How far have we come in the last 40 years?, Journal of Environmental Psychology, 31(3), pp: 207-230.
- Lewicka, M. (2008): Place attachment, place identity, and place memory; Restoring the forgotten city past, Journal of Environmental Psychology, 28, pp: 209-231.
- Mesch, G.S & Manor, O. (1998): Social ties, environmental perception, and local attachment, Environment and Behavior, 30, pp: 504-519.
- Proshansky, H.M & Fabian, A.K & Kaminoff, R. (1983): Place-identity; physical world socialization of the self, Journal of Environmental Psychology, 3, pp: 57-83.
- Salvesen, D. (2002): The Making of Place, Research on Place & Space Website, <http://www.matr.net>, (Retrieved September 4, 2015).
- Stedman, R.C. (2003): Is it really just a social construction?: The contribution of the physical environment to sense of place, Society & Natural Resources, 16, pp: 671- 685.